

## اصل صحت از دیدگاه فقهی، حقوقی و کاربرد آن در قراردادهای

### منعده، قوانین و آرای قضایی ایران

ابوالفضل خمسه<sup>۱</sup>

#### چکیده

اصل صحت یکی از قواعد مهم در حقوق اسلام و اصلی عملی موضوعی است که در شرع و قانون برای آن اعتبار اماره قابل شده‌اند و یکی از مهم‌ترین و مشهورترین قواعد فقهی در فقه امامیه است. این اصل از زمان‌های دور بین فقها و عالمان فقهی کاربرد داشته و آن چنان متداول بوده که در تمام اعصار آن را می‌توان در بسیاری از ابواب فقه و در بسیاری از معاملات (عقود و ایقاعات) و حتی در عبارات، اقوال و اعتقادات مشاهده کرد.

نظام تفسیر، قواعد و ابزارهای خاص خود را دارد که صرفاً بر اساس آن اصول، کشف اراده مشترک میسر می‌گردد. یکی از فن‌های تفسیر که نقش بسیار ممتازی در تبیین مفاد قرارداد و روشن ساختن مفهوم آن دارد، اصل صحت است.

اصل صحت در قراردادها در حقوق اسلام و ایران (ماده ۲۲۳ قانون مدنی) مورد پذیرش قرار گرفته است. این اصل که به‌عنوان قاعده جهانی در قلمرو حقوق شناخته می‌شود، در دیگر نظام‌های حقوقی و نیز کنوانسیون‌ها و رویه‌های قضایی بین‌المللی، صراحتاً مورد توجه قرار گرفته است. نکته حائز اهمیت این که این اصل در عقود کاربرد فراوان داشته و حتی در عقود نوین هم قابل اجرا است، لیکن اجرای این اصل در عقود مستلزم شرایط و ارکانی است که با تحقق آن راه برای اجرای اصل صحت هموار است.

در این پژوهش سعی شده تا به تاریخچه‌ی اصل صحت، ماهیت و ادله اصل صحت و کاربرد و تأثیر این اصل بر حقوق موضوعه ایران با استفاده از آرای قضایی پرداخته شود و هم‌چنین آثار فقهی و حقوقی آن مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد و از آنجایی که امروزه بخش قابل توجهی از سوءجریان و نقض قوانین مطرح شده در دستگاه‌های تحت نظارت مشمول قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور پیرامون قراردادها، پیمان‌ها و... منعده بوده که نیازمند تفسیر صحیح آن می‌باشد لذا مطالعه مقاله پیش روی می‌تواند کمک شایانی در این رابطه به بازرسان و کارشناسان سازمان ارایه نماید.

**کلیدواژگان: اصل صحت، ماهیت اصل صحت، فقه، اصل صحت در قرارداد، قانون مدنی**

## مقدمه

اصل صحت یکی از اصولی است که مقام والایی در فقه امامیه و حتی اهل سنت داشته است. هم اهل سنت و هم فقه شیعه کتاب‌های زیادی در مورد این اصل نگاشته‌اند، حال این سؤال مطرح است که اصلاً این قاعده به چه معنی است و چه کارکردی دارد؟ صحت را در لغت به معنای درستی، صحیح بودن و حلیت هر چیزی گویند.

در اصطلاح فقهی، اصل صحت به این معنی است که هر عملی، از هر فردی رخ می‌دهد باید آن را حمل به صحت و مشروعیت نمود مگر آن که عدم صحت و عدم مشروعیت آن مشخص شود. اصل صحت بر مبنای فطرت بنا شده است، بدین معنی که: اسلام، انسان آفریده شده توسط خدا را به‌دوراز گناه و نادرستی می‌داند و معتقد است که انسان هر عملی را که انجام می‌دهد اصل بر این است که عمل وی صحیح و به‌دوراز خطا است، مگر آن که خلاف آن ثابت شود و این همان اصل است که در قوانین کیفری کشورهای جهان راه یافته است زیرا هنگامی که تقصیر و خطای کسی اثبات نشده، او را مجرم نمی‌شناسند و کیفر نمی‌دهند.

از آنجایی که قانون هر جامعه‌ای بر پایه عقاید، عرف و عادات مرسوم استوار است و قانون ایران هم بر پایه احکام اسلامی استوار بوده، از این رو اصل صحت وارد حقوق ایران شد.

## فصل اول

### اصل صحت در لغت و اصطلاح:

اصل در لغت به معنای ریشه، پی، بنیان و صحت، تندرستی، راستی، درستی آمده است.<sup>۱</sup> و در اصطلاح حقوقی در دو معنای اعم و اخص به کار رفته است. اصل در معنای اخص همان نهاد حقوقی برای رفع تحیر و سرگردانی است<sup>۲</sup> و در معنای اعم خود هم دربردارنده معنی اخص هم دربرگیرنده مفهوم قاعده حقوقی است که در برابر فساد به کار می‌رود. چنانچه در ماده ۲۲۳ قانون مدنی در این معنی به کار رفته است که در این معنی مدنظر است.<sup>۳</sup>

قاعده یا اصل صحت از قواعد بسیار مهم فقهی است که کاربرد فراوان دارد و در میان فقها نسبت به صحت آن تردیدی نیست اما در زمینه‌ی دلایل صحت آن اختلاف نظر وجود دارد.<sup>۴</sup> از آنجایی که قانون مدنی از فقه امامیه مقتبس است؛ اصل صحت در فضای حقوقی ما نیز راه یافته و قانون‌گذار در وضع قانون مدنی نشانه‌هایی از آن را آورده است.<sup>۵</sup>

مفاد اصل صحت در واقع بیان‌گر این امر است که: اگر در فعل کسی شک کنیم که آیا مکلف کار حرامی انجام داده یا خیر و یا شک کنیم که عملی واقعاً صحیح است یا باطل

۱- عمید، حسین. فرهنگ لغت عمید، انتشارات امیر کبیر، سال ۱۳۷۴، چاپ سوم، جلد اول، ص ۲۱۷

۲- شهیدی، مهدی. اصول قراردادها و تعهدات، تهران، انتشارات مجد، سال ۱۳۸۳، چاپ هفتم، ص ۲۲۸

۳- عمید، حسین. همان، جلد دوم، ص ۱۶۱۳

۴- شهیدی، مهدی. همان، ص ۱۹۱

۵- محقق داماد، سید مصطفی. قواعد فقه در بخش مدنی، تهران، نشر علوم اسلامی، سال ۱۳۸۶، چاپ هفتم، ص ۲۲۸

به مقتضای اصل صحت می‌گوییم که عملش حلال و کارش صحیح است.

### استعمال اصل در معانی مختلف:

الف- اصل صحت به مفهوم جواز تکلیفی

منظور از اصل صحت در این معنی آن است که اعمال افراد را اصولاً باید صحیح و مشروع و حلال تلقی کرد و مادام که دلیلی بر نادرستی و عدم صحت و حرمت پیدا نشده هیچ کس حق ندارد در صورت دَوْران امر بین احتمال صحت و مشروعیت از یک طرف و عدم مشروعیت از طرف دیگر، اعمال افراد را نامشروع و غیر صحیح پندارد. در فرض مثال اگر از دور کسی را ببینیم که مایعی می‌نوشد و احتمال بدھیم که ممکن است آب آشامیدنی یا شراب باشد بنا بر اصل صحت که مسلمان فعل حرام مرتکب نمی‌شود، باید بپذیریم که آن مایع آب است و شراب نیست.

این اعمال و رفتار که از دیگران صادر می‌گردد که مربوط به رابطه آن شخص با خداوند خویش است و اثر چندانی در زندگی دیگران ندارد، به اصطلاح جنبه تکلیفی محض داشته و آثار وضعی بر آن مترتب نیست.

دلایل اصل صحت به مفهوم تکلیفی:

#### ۱- آیات

آیات متعددی در قرآن کریم در خصوص این اصل وارد گردیده که از جمله آن می‌توان به آیات زیر اشاره نمود:

آیه شریفه «... قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...»<sup>۱</sup>

یعنی: برای مردم خوبی بگویید.

«... وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»<sup>۲</sup>

یعنی: از سخن دروغ و افترا پرهیزید.

«إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»<sup>۳</sup>

یعنی: همانا برخی از گمان‌ها گناه است.

از تدبر و تأمل در این آیات اعتبار اصل صحت کاملاً مستفاد و مشهود است.

#### ۲- روایات

برای اعتبار اصل صحت روایات زیادی وارد شده که از جمله آن در اصول کافی از

امیرالمؤمنین علی (ع) نقل شده است که فرمود:

«ضَعَّ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مَا يَغْلِبُكَ مِنْهُ وَلَا تَطُنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَخِيكَ

۱- سوره بقره، آیه ۸۳

۲- سوره حج، آیه ۳۰

۳- سوره حجرات، آیه ۱۲

سُوءٌ وَاَنْتَ تَجِدُهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمِلًا»<sup>۱</sup>

یعنی کار برادر دینی و هم‌کیش‌ت را به بهترین وجه تعبیر کن تا آن زمان که از او رفتاری سرزند که بتواند باورت را درباره او دگرگون کند و نیز به گفتار برادرت تا وقتی که تفسیر نیک می‌توانی کرد، گمان بد مبر.

با مراجعه به این روایت مشخص می‌گردد که اسلام برای جلوگیری از مفاسد به مسلمین حکم می‌کند اعمال مردم را در مرحله اول و تا زمانی که خلاف آن با ادله اثباتی به ثبوت نرسیده باید حمل به صحت و حلال و مشروعیت نماییم زیرا چنانچه اصل را بر فساد قرار دهیم، قوام و استقرار نظام مدنیت از بین خواهد رفت.

ب- اصل صحت به مفهوم وضعی

#### ۱- اجماع

با ملاحظه آثار فقهی اسلامی که در مورد اصل صحت وجود دارد می‌توان فهمید که اکثر فقهای اسلامی در مورد قاعده صحت اجماع دارند؛ ولی با توجه به وجود ادله دیگر می‌دانیم که اجماع ارزش استقلالی ندارد و فقط اگر کاشف از قول و فعل و تقریر معصوم (ع) باشد حجت است و چنانچه مستند دیگری موجود باشد، چنین کاشفیتی نخواهد داشت.

#### ۲- سیره و روش عقلای اسلام

سیره عقلای می‌تواند از دلایل دیگر قاعده‌ی صحت دانست. عقلای تمام عالم معتقدند، تا زمانی که فساد و خطای اعمال افراد مشخص نشده باید اعمال صادره از آن‌ها را حمل بر صحت نمود.

چون این روش در شریعت اسلام نیز جاری بوده و مورد نفی شارع مقدس واقع نشده، بنابراین بنای عقلا از جمله دلایل اصل صحت است.<sup>۲</sup>

#### ۳- عقل

با توجه به حکم عقلی در جامعه و زندگی روزمره بایستی اصل صحت را جاری نماییم چرا که اگر اصل صحت را عقلاً معتبر ندانیم مصالح جامعه مردم خلل پذیرفته و بنیان تجارت و ... دست‌خوش هرج و مرج و اختلال می‌شود و رابطه‌های حقوقی و اقتصادی پایدار نمی‌ماند که این فساد بی‌شک از نظر عقلی نیز مردود است.

#### ۴- ظهور حال مسلم

فقها ظهور حال مسلم را نیز از دلایل اصل صحت دانسته‌اند. ظهور حال مسلم در باب اصل صحت به این معنی است که: چون مسلمانان قبول‌کننده و پایبند به مقررات اسلامی هستند پس با توجه به این پایبندی، مرتکب اعمالی که خلاف این مقررات باشد، نمی‌شوند و اعمال

۱- اصول کافی - ج ۲، باب‌التهمه، ص ۳۶۲، حدیث ۳، چاپ آخوندی

۲- فراید الاصول شیخ انصاری محشی - چاپ قم، ص ۴۱۶

آن‌ها را باید حمل بر صحیح بودن نمود.

البته باید توجه داشت که این استدلال خیلی هم صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا وقتی گفته می‌شود مسلمانان عمل خلافی مرتکب نمی‌شوند منظور از این سخن آن است که مسلمانان در شرایط عادی فعل حرامی مرتکب نمی‌شوند نه این که عمل آن‌ها همیشه درست است. هم‌چنین باید پذیرفت که اصل صحت مخصوص مسلمانان نیست. هر انسانی که در عالم هستی، عقلایی می‌اندیشد به این نتیجه خواهد رسید که این اصل باید پذیرفته شود و معتبر ندانستن این اصل می‌تواند موجب اختلال جامعه و عدم پایداری در نظام اقتصادی، تجارت و ... را فراهم نماید.

### اصل صحت و شبهه‌ی حکمی و موضوعی

هرگاه صحت قرارداد مورد تردید واقع شود منشأ تردید از دو صورت خارج نخواهد بود: الف- شبهه‌ی حکمیه: منشأ تردید، خطاب و حکم شارع و قانون‌گذار است که در اینصورت شبهه‌ی حاصل را شبهه‌ی حکمیه یا شبهه‌ی حکمی می‌گویند. مثلاً قراردادی منعقد می‌گردد که سنخ و مشابه آن قبلاً وجود نداشته است؛ مانند قرارداد بیمه، با توجه به اینکه در مورد مشروعیت و یا عدم مشروعیت آن در بین فقها و مخصوصاً فقهای اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد، علی‌هذا در مقام تردید می‌توان با توجه به اصل صحت و عموماً ماده ۲۲۳ قانون مدنی، قراردادهای بیمه را شرعی و صحیح دانست با توجه به اینکه در قسمت اخیر ماده ۲۲۳ مرقوم آمده است که: «... مگر اینکه فساد آن معلوم شود.» و از آنجایی که شرع مقدس اسلام نیز با قراردادهایی که مخالف شرع نباشند مخالفتی ندارد و حتی قراردادهای دوران جاهلیت را نیز که مغایر شرع انور نبوده مورد تأیید قرار داده است و با توجه به پیشرفت صنعت و تجارت داخلی و بین‌المللی و ارتباط آن با جان و مال مردم، مورد نیاز همگان است و نظر به اینکه نص صریحی بر فساد و بطلان آن در کتب فقهی دیده نمی‌شود؛ علی‌هذا قراردادهای بیمه محمول بر صحت می‌باشند.<sup>۱</sup>

ب- شبهه‌ی موضوعیه: هرگاه در اصل جهل به موضوع حکم قانون‌گذار در صحت عقد یا ایقاعی اشتباه و تردید حاصل شود آن را شبهه‌ی موضوعیه یا شبهه‌ی موضوعی می‌گویند. به عبارت دیگر در شبهه موضوعیه حکم و خطاب شارع معلوم است ولی انطباق آن حکم و خطاب با موضوع و فردی از عقد و ایقاع که در خارج واقع شده است مجهول است؛ مثلاً در مورد وکالت شخصی که پروانه وکالت ندارد و فقط عرض حال داده است، چون شمول منع قانونی ماده ۵۵ قانون وکالت نسبت به مورد، محل تردید است بر مبنای آزادی اراده و عدم دلیل قطعی بر شمول منع نسبت به مورد، حکم بر صحت عمل مزبور می‌شود و دادگاه

۱. توفیق عرفانی، قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، ناشر انتشارات کیهان، ص ۱۸۲، چاپ سال ۱۳۷۱، مسعود حائری، مبانی فقهی اصل آزادی قراردادها، ص ۱۸، ناشر انتشارات کیهان سال ۱۳۷۰.

نباید دادخواست را رد کند بلکه باید اخطار رفع نقص به طرف ذی نفع بنماید.<sup>۱</sup> مثال دیگر، ماده ۲۱۸ قانون مدنی است. اگر شخصی املاک متعددی داشته باشد و با وجود مدیون بودن اقدام به فروش یکی از املاک خود بنماید، به طوری که با فروش اموال دیگر بتواند ادای دین نماید آیا چنین معامله‌ای معامله به قصد فرار از دین تلقی می‌شود یا خیر؟ شعبه ۳ دیوان عالی کشور در حکم شماره ۹۸۵ - ۱۳۱۰/۸/۸ خود چنین رأی داده است: فرار از دین که در ماده ۲۱۸ «قانون مدنی» ذکر گردیده، وقتی محقق می‌شود که به سبب معامله مدیون از طرق دیگر قادر به ادای دین نباشد و دارایی او منحصر به مورد معامله تشخیص داده شود.<sup>۲</sup> ملاحظه می‌شود که دیوان عالی کشور در خصوص مورد، اصل صحت را در شبهه‌ی موضوعیه ملاک عمل قرار داده است.

### مراد از صحت، صحت واقعی است یا صحت نزد فاعل؟

برخی معتقدند که مراد از اصل صحت، صحت واقعی است و عده‌ای دیگر بر این باورند که مراد از اصل صحت، صحت به اعتقاد فاعل است. گاهی ممکن است، عملی از شخصی سرزند و برای ما، در صحت و فساد آن تردید وجود داشته باشد و تردید معلول جهاتی باشد که نزد ما معتبر است لکن فاعل در حین عمل، خود را ملزم به انجام آن نمی‌دانسته و یا معتقد به اعتبار آن نبوده است. در این صورت قاعده صحت چگونه خواهد بود؟

مثلاً اگر شخصی به وکالت از ما عقد نکاحی انجام دهد و پس از انجام، برای ما تردید حاصل شود که آیا ایجاب را مقدم بر قبول داشته؟ (تا عقد مزبور صحیح انجام گرفته باشد). یا به صورت عکس آورده؟ (تا فاسد و بی‌اثر باشد).

چنانچه در همین مثال، نزد فاعل تقدم ایجاب بر قبول در عقد نکاح معتبر نباشد و یا جاهل به اعتبار آن باشد، برای ما که عقیده به اعتبار آن داریم اجرای قاعده صحت چگونه خواهد بود و چه نتیجه‌ای بر آن مترتب است؟ آیا می‌توانیم با اجرای قاعده صحت نتیجه بگیریم که عقد مزبور صحیح انجام گرفته، به این معنی که حتی شرایطی را که ما معتقد به اعتبار آن هستیم واجد بوده است؟

در پاسخ سؤال بالا، بعضی که مستند قاعده صحت را تنها ظهور حال مسلم می‌دانند معتقدند که اجرای قاعده مزبور بیش از صحت نزد فاعل را نتیجه نمی‌دهد؛ زیرا چیزی را که مسلمانان در حین انجام عمل به اعتبار آن عقیده ندارند انگیزه‌ای برای رعایت آن برای او وجود نخواهد داشت.

نظر دیگر که<sup>۳</sup> پذیرفته شده است، می‌گوید: چون مستند قاعده صحت تنها ظهور حال مسلمان نیست، بلکه همان‌گونه که اشاره شد عمده دلیل بر اعتبار آن بنای عقلا و دلیل

۱. لنگرودی محمدجعفر جعفری، مقدمه علم حقوق، ص ۳۶۶، ناشر گنج دانش، ۱۳۷۱.

۲. حسینی سید محمد رضا، قانون مدنی در رویه قضایی، زیر نظر نصرالله قهرمانی، انتشارات مجد، ص ۶۷، سال ۱۳۷۹.

۳- موسوی بجنوردی، سید محمد. قواعد فقهیه، نشر میعاد، چاپ دوم، صفحه ۹۴، فراید الاصول، شیخ محشی، چاپ قم، ص ۴۱۷

عقل است و عقلاً، معاملات و اعمال عبادی دیگران را بدون لزوم تفحص و تحقیق قبلی در زمینه‌های فکری و اعتقادی فاعل، حمل بر صحت می‌کنند؛ بنابراین ملاک صحت، نزد فاعل نیست بلکه صحت واقعی است.

وانگهی، اصل صحت یک اصل اجتماعی- عقلایی است که برای قوام جامعه و استواری روابط و مناسبات اجتماعی از سوی خردمندان معتبر شناخته شده است و بی‌گمان بدون آن اصل، مناسبات و روابط اجتماعی اقتصادی مردم مختل می‌شود، در نتیجه عقلاً اعمال عبادی و معاملات یکدیگر را تلقی به صحت می‌نمایند و این صحت، صحت واقعی است.

### اصل صحت در فقه اهل سنت و سایر مذاهب

ظاهراً در فقه اهل سنت به اصل صحت به‌عنوان یک موضوع مستقل اشاره‌ای نشده و در کتب اصولی آن‌ها نیز اصل مذکور عنوان خاصی را حائز نگردیده است. با این حال در خلال پاره‌ای از مباحث فقهی و مخصوصاً در مباحث مربوط به اختلاف متعاقدین عبارات و مثال‌هایی مشاهده می‌شود که دلیل بر پذیرش اصل صحت است. در کتاب «الْبَحْرُ الزَّخَارُ» تألیف امام احمد بن یحیی بن مرتضی که از فقهای زیدیه در قرن نهم هجری بوده، چنین آمده است: «الْقَوْلُ فِي الْعَقْدِ لِمَنْكَرٍ وَقُوعِهِ أَوْ فَسْخِهِ إِجْمَاعاً إِذْ هُوَ الْأَصْلُ وَلِمَنْكَرٍ فَسَادِهِ إِذَا الظَّاهِرُ مِنْ عُقُودِ الْمُسْلِمِينَ الصَّحَّةُ»<sup>۱</sup>

یعنی در عقد اجماعاً بنا بر اصل سخن منکر، وقوع عقد یا فسخ آن را می‌پذیرند و نیز در مورد ادعای فساد عقد، گفتار منکر فساد مقبول است زیرا ظاهر در عقود مسلمین، صحت است. قسمت اخیر متن مذکور در مقام بیان اصل صحت است یعنی در مورد اختلاف در صحت و فساد عقد، قول کسی پذیرفته است که عقد را صحیح و درست می‌داند مگر آنکه مدعی فساد آن را اثبات نماید و این در حقیقت تمسک به اصالة الصحة می‌باشد.

شمس‌الدین ابن قدامه، فقیه معروف حنبلی نیز در کتاب الشرح الکبیر در مورد اختلاف بین متبایعینی که یکی به دلیل مجهول بودن ثمن و مدت خیار و نحوه آن مدعی فساد بیع است و دیگری ضمن ادعای معلوم بودن ثمن و مدت خیار مدعی صحت عقد می‌باشد چنین می‌گوید: «الْقَوْلُ قَوْلُ مَنْ يَدْعَى الصَّحَّةَ مَعَ يَمِينِهِ لِأَنَّ ظُهُورَ تَعَاطِي الْمُسْلِمِينَ الصَّحِيحِ أَكْثَرُ مِنْ تَعَاطِي الْفَاسِدِ»<sup>۲</sup>

از متن مذکور نیز چنین برمی‌آید که فقیه مذکور قول مدعی صحت عقد را با سوگند می‌پذیرد و استدلال می‌کند که ظاهر آن است که دادوستد مسلمین به صورت صحیح بیشتر از صورت فاسد انجام می‌گیرد و بدین ترتیب اصل غلبه را که همان سیره‌ی عقلا است دلیل اصل صحت می‌شمارد.

شمس‌الدین محمد رملی، فقیه شافعی نیز در کتاب نهاية المحتاج مواردی از اصل صحت

۱. فربار حسین، نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی، دانشگاه تهران، اصل صحت (مقاله) زیر نظر دکتر ابوالقاسم گرچی، شماره ۶، ص ۱۶۱، چاپ ۱۳۵۸.

را آورده است که از جمله آن‌ها چنین آمده است: «ان اختلفا في الرؤية فالقول قول مدعيها بيمينه لأن الإقدام على العقد إقرار بصحته وهو جار على القاعدة في دعوى الفساد» یعنی هرگاه طرفین در رؤیت مبیع اختلاف نمایند و مشتری بگوید که قبل از خرید ندیده بودم و برعکس باع بگوید آن را دیده‌ای، سخن مدعی رؤیت یعنی باع را که به آن سوگند یاد می‌کند می‌پذیرند. چه اقدام به عقد، اعتراف به صحت آن است و در ادعای صحت و فساد باید همواره چنین رفتار شود و قول مدعی صحت، مقدم قرار بگیرد» ملاحظه می‌شود که فقیه مذکور نیز اصل صحت را پذیرفته است.

در جلد چهارم کتاب نه‌ایة المحتاج نیز آمده است: «لو ادعى صحة البيع والآخر فساداً فالأصلح تصديق مدعى الصحة بيمينه» یعنی اگر یکی از متعاقدین ادعای صحت عقد و آن دیگری ادعای فساد عقد را بنماید درست‌تر آن است که تصدیق مدعی صحت با سوگند وی به عمل آید. شارح نه‌ایة المحتاج در تفسیر مطلب فوق توضیح می‌دهد: «لأن الظاهر في العقود الصحة وأصل عدم العقد الصحيح بعرضه أصل عدم الفساد» یعنی ظاهر در عقود، صحت است و اصل عدم عقد صحیح مورد معارضه و مخالف اصل عدم فساد (و به اصطلاح محکوم آن) می‌باشد. به همین دلیل می‌توان گفت که در فقه اهل سنت، اصل صحت یکی از دلایل صحت عقود است.

### اجرای اصل صحت در عقود و نتایج آن:

قانون‌گذار صحت در عقود را با صراحت پذیرفته است و در موارد مختلف قانون مدنی از جمله ماده ۲۲۳ معاملات واقع شده درست و نافذ است و طرفین باید به مفاد آن پایبند باشند مگر این که فساد آن ثابت شود؛ بنابراین می‌توان گفت که در قلمرو و قراردادهای صحت از تأثیر مهمی برخوردار است. با این اصل گاه به صحت قرارداد مشکوک‌الصحة حکم می‌کنند و گاه قراردادی را که در فقه اسلامی نام و عنوان خاصی ندارد را صحیح می‌شمارند. اجرای اصل صحت دارای ارکان و شرایطی است و نتایج خاصی را هم به دنبال خواهد آورد. ارکان و شرایط را در ادامه مورد بررسی قرار خواهیم داد و اما از نتایج اجرای اصل صحت در عقود می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- در صورتی که مخالفت عقد با قانون مورد تردید باشد، اصل بر صحت است.
- ۲- اگر عقد با قانون مخالف باشد و تردید نباشد که قانون امری است یا تکمیلی، مقتضای اصل صحت این است که قانون تکمیلی فرض شود.
- ۳- در موردی که الفاظ عقد در عرف دارای معانی گوناگون باشد عبارت آن باید در معنایی گرفته شود که عقد درست باشد و آن معانی که فساد عقد را به دنبال دارد خلاف اصل تلقی می‌شود.

۴- درجایی که عقد به ظاهر واقع شده است آن گاه احدی ادعای صوری بودن آن را دارد، باید دلیل ارائه شود.<sup>۱</sup>

اصل صحت نقش بسیار مهمی در تفسیر قراردادها ایفا می‌نماید. همان‌طور که می‌دانیم گسترش نیازها و ضرورت‌های اجتماعی موجب افزایش ارتباطات در حوزه‌های مختلف است. قراردادها به عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزار این ارتباط شناخته می‌شود، هرچند خواست مشترک معامله‌کنندگان، انعقاد و اجرای روشن و بدون ابهام است اما این مقصود در تمام موارد حاصل نمی‌شود، به تبع آن مشکلات و اختلاف نظریه‌هایی در زمینه صحت یا بطلان معامله به وجود خواهد آورد. نقشی که اصل صحت در تفسیر قراردادها ایفا می‌کند را می‌توان در چند مورد خلاصه نمود:

۱- تفسیر قراردادها نباید سبب بطلان و فساد آن گردد. هرگاه عبارات یک قرارداد معانی متعدد داشته باشد ما آن معنایی را در تفسیر مدنظر قرار می‌دهیم که به موجب آن عقد صحیح انگاشته شود.

۲- تفسیر قرارداد نباید موجب فسخ قرارداد گردد. اگر بتوان قرارداد را به نحوی تفسیر کرد که سبب فسخ آن گردد اصل صحت اقتضا می‌کند که در معانی دیگر، که صحت قرارداد تأیید می‌شود تفسیر صورت گیرد.<sup>۲</sup>

### ارکان و شرایط اعمال اصل صحت:

برای اجرای اصل صحت در عقود، دانشمندان حقوق اسلامی قیود و شرایطی را معین نموده‌اند که اعمال اصل صحت منوط به تحقق این شرایط است.

الف- جریان قاعده منوط به احراز عنوان عمل است، در صورتی که فعلی از شخصی صادر شود و آن فعل معنون به یکی از عناوین باشد اگر در صحت و فساد آن عنوان شک شود بنای عقلا حمل به صحت آن عنوان است.<sup>۳</sup>

ب- لزوم تحقیق عنوان عمل در معاملات؛

پ- امر دایر باشد بین صحت فعلی و بطلان کلی مثلاً بیع فضولی که در صورت شک در صدور اجازه، امکان استناد به اصل صحت وجود ندارد.

ت- اگر عملی به سبب طبیعت آن فاسد باشد نمی‌توان به استناد اصل صحت برخلاف ذات آن حکم به صحت داد. مثل فروش مال وقف که ذاتاً فاسد و باطل است.

ث- قاعده در مورد عملی جاری شود که به اتمام رسیده باشد اما چنانچه هنوز عمل آغاز نگشته و ایجاد نشده حکم به صحت عمل متصور نیست.

۱- کاتوزیان، ناصر. حقوق مدنی، قواعد عمومی قرارداد، تهران، شرکت سهامی انتشار، سال ۱۳۶۸، چاپ هفتم، جلد دوم، صفحات ۳۷۳ تا ۳۷۵

۲- طباطبایی، سید محمد صادق. آرای، حمید، مطالعه تطبیقی مفهوم اصل صحت در تفسیر قراردادها، زمستان ۱۳۹۰، شماره ۸۸

۳- موسوی بجنوردی، سید محمد. همان، صفحه ۹۵

ج- اصل صحت در کلیه معاملات، اعم از عقود و ایقاعات جاری است و بر اصله الفساد در معاملات مقدم خواهد بود.<sup>۱</sup>

### استثنا در اصل صحت:

قبلاً اشاره گردید که اصل صحت دایره گسترده‌ای دارد و بسیاری از اعمال مردم را در برمی‌گیرد اما مواردی وجود دارد که این اصل نسبت به آنها جاری نمی‌شود که در زیر اشاره می‌گردد:

الف- برخی اعمال وجود دارد که طبیعت آنها مبتنی بر فساد است به طوری که صحیح بودن آنها امری استثنایی تلقی می‌شود. در این اعمال می‌توان به بیع وقف اشاره نمود. قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران اجازه بیع وقف را نداده و اصل بر این است که وقف غیرقابل بیع است. تنها قانون‌گذار در مواردی خاص و استثنایی اجازه فروش مال وقفی را داده که دایره آن خیلی محدود می‌باشد. فروش عین مرهونه نیز مثل بیع وقفی به‌عنوان استثنا تلقی شده و شایسته نیست مالی که عین آن در رهن دیگری است به‌راحتی بتوان فروخت. این امر با حق مسلم مرتهن مخالف می‌باشد؛ البته استثنای این حکم این است که با اجازه مرتهن می‌توان آن را فروخت. در این مورد و درخصوص بیع وقف، هرگاه در رابطه با صحت و بطلان معامله شک شود حکم به بطلان معامله داده می‌شود چراکه طبیعت این قبیل معاملات اقتضا می‌کند که باطل باشند، البته اگر دلیل دیگری برای صحت این معاملات داشته باشیم می‌توانیم این دلایل را قبول کنیم و حکم به صحیح بودن معامله بدهیم. وقتی می‌گوییم دلیل اصلی صحت سیره عقل است و عقلاً بر اساس عقل خود حکم به صحیح بودن اصل صحت داده‌اند، پس همین عقلاً با مشاهده وضعیت بیع وقف و بیع مرهونه به بطلان این معاملات رأی داده‌اند و صحیح بودن آن را امری خلاف می‌دانند.

ب- مواردی وجود دارد که در آن انجام دهنده‌ی عمل در عمل خود متهم است؛ به این معنی که قراین و شواهدی وجود دارد که عادتاً این قراین رأی به فساد بودن معامله می‌دهد. در این موارد حکم به درست بودن معامله خلاف اصل است و باید حکم به باطل بودن معامله داد. برای مثال شخصی به وکیل وکالت می‌دهد تا اموال گوناگون برای وی بخرد و این اموال در شرایط عادی احتیاج به وزن کردن دارد. چنانچه وکیل مدعی گردد که همه این اموال را در مدت کوتاهی خریداری نموده و بعد از خرید آنها را وزن و کیل نیز نموده است، درحالی که در شرایط عادی وزن کردن همه این اموال به لحاظ این که وقت زیادی را بایستی صرف می‌کرده ممکن نبوده پس باید عادتاً در این موارد حکم به عدم صحت معامله داد. علت آن هم این است که قراینی وجود دارد که موجب سوءظن نسبت به ادعای مدعی می‌شود بنابراین همان‌گونه که اشاره شد چون اصل صحت، اصلی عقلی است، فلذا عقل حکم به فساد بودن این معامله را دارد.

۱- موسوی بجنوردی، سید محمد. همان، صفحه ۹۶

## فصل دوم

### کاربرد اصل صحت در قراردادها:

اصل صحت تأثیر زیادی بر قراردادها دارد. اگر این اصل را نپذیریم باید بسیاری از قراردادهایی که صحت آنها مشکوک است، قراردادهایی که نام و عنوان خاصی در فقه ندارند و همین طور قراردادهای جدیدی که به وجود می‌آید را نیز نپذیریم. در حالی که در سایه این اصل ما می‌توانیم قراردادهای جدیدی را که به وجود می‌آید بپذیریم و قراردادهایی که صحت آنها مشکوک است را صحیح بدانیم و هم‌چنین قراردادهایی که در فقه عنوان خاصی ندارند را معتبر بدانیم؛ اگر در صحیح بودن یک عقد به این علت شک کنیم که فاقد چیزی است که احتمال می‌دهیم، آن چیز نباید در عقد باشد.

در همه این موارد اصل صحت به ما کمک می‌کند و می‌گوید که عقد انجام گرفته شده صحیح است. هرگاه در اثبات عقد مشکوک ادله عامی وجود داشته باشد و از سوی دیگر ندانیم که این عقد مورد تأیید شارع است یا خیر؟ از آنجایی قرآن کریم می‌فرماید: «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» و هم‌چنین حدیث «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ» می‌توان استدلال نمود که هر عقد جدیدی که شکل می‌گیرد باید آن را صحیح تلقی نمود.

### اصل صحت در قوانین و آرای قضایی ایران:

فقه امامیه در قوانین ما همواره نقش مهمی ایفا می‌نماید، قواعد فقه امامیه، در قانون مدنی، قانون جزا و سایر قوانین وارد شده و بسیاری از قوانین ما از آن اقتباس شده است. اصل صحت هم که از اصول فقه امامیه می‌باشد، به تبع آن وارد حقوق ایران شده است. در این بخش از پژوهش، تعدادی از مواد قانونی که اصل صحت در آنها پذیرفته شده است به همراه آرای دیوان عالی کشور آورده شده است.

همان‌گونه که قبلاً بیان شد، اصل صحت در اکثر معاملات، عقود و قراردادهای عموم مردم جریان دارد، اگر این اصل را نادیده بگیریم، مشکلات زیادی در عرصه اجتماعی و اقتصادی جامعه به وجود می‌آید. قضات در سایه این اصل است که قراردادهایی که صحت آنها مشکوک است را صحیح می‌شمارند و هم‌چنین در پوشش این اصل است که قراردادهای جدیدی را که به وجود می‌آید صحیح تلقی می‌نمایند. قضات هم‌چنین زمانی که با عقود و قراردادهایی برخورد می‌نمایند که هیچ سابقه و عنوانی در فقه ندارند، در سایه این اصل، حکم به صحت انعقاد این قراردادها می‌نمایند.

قانون‌گذار ما در قانون مدنی اصل صحت را به‌طور قاطع پذیرفته است و نمود بارز آن را می‌توان در ماده ۲۲۳ ملاحظه نمود.

۱- ماده ۲۲۳ قانون مدنی مقرر داشته: «هر معامله‌ای که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر این که فساد آن معلوم شود.<sup>۱</sup>»

قاعده‌ای که به موجب این ماده اتخاذ شده است همان قاعده‌ای است که در اصطلاح علمای حقوقی، اصالت و صحت نامیده می‌شود و به موجب ماده مذکور اصل در معاملات صحت آن‌ها است و هر کس که مدعی فساد یا بطلان آن باشد باید ادعای خود را ثابت نماید.

دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۴۶۵ در این باره چنین اتخاذ تصمیم نموده است. مطابق ماده ۲۲۳ قانون مدنی هر معامله‌ای که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر این که فساد آن معلوم شود بنابراین برای احراز صحت انتساب نوشته که حاکی از وقوع معامله باشد فساد معامله محتاج به اثبات خواهد بود نه صحت آن.<sup>۲</sup>

۲- ماده ۱۹۰ قانون مدنی مقرر داشته: «برای صحت هر معامله شرایط زیر اساسی است:

۱- قصد طرفین و رضای آن‌ها، ۲- اهلیت طرفین، ۳- موضوع معین که مورد معامله باشد و ۴- مشروعیت جهت معامله.<sup>۳</sup>»

در حکم شماره ۱۴۴۷ شعبه چهارم دیوان عالی کشور اشاره گردیده که: اگر مستأجر اول منعی در اجاره دادن مورد اجاره به دیگری نداشته باشد فسخ اجاره اول مستلزم انفساخ اجاره دوم نخواهد بود.

ملاحظه می‌شود با وجود آن که مستأجر اول صراحتاً اجازه‌ی اجاره به دیگران را نداشته، مع‌هذا عمل وی محمول بر صحت تلقی گردیده است. به طوری که فسخ اجاره‌ی خود او موجب انفساخ اجاره دوم نمی‌شود. این رأی نیز با در نظر گرفتن اصل صحت صادر شده است.

۳- ماده ۲۰۶ قانون مدنی مقرر داشته:

«اگر کسی در نتیجه اضطرار اقدام به معامله کند، مگره محسوب نشده و معامله اضطراری معتبر خواهد بود.<sup>۴</sup>»

در رأی شماره ۲۱/۱۳۶۶ شعبه بیست و یکم دیوان عالی کشور در این مورد چنین بیان شده است:

آنچه را که وکیل خواهان در خصوص بی‌اعتباری و بطلان قرارداد دعاوی مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۱۱ با تغییر نحوه خواسته در جلسه دادرسی مورخ ۱۳۶۷/۶/۵ عنوان نموده و اظهار داشته است که موکل برای رهایی از زندان و به لحاظ آشفته‌گی زندگی و اختلال وضع شغلی تن به امضای قرارداد مزبور داده است، در فرض صحت می‌تواند وجود اضطرار در انجام معامله تلقی گردد؛ که مستند به ماده‌ی ۲۰۶ قانون مدنی و نظر مشهور فقها، از موجبات فساد

۱- قربانی، فرج‌اله. مجموعه کامل قوانین و مقررات اساسی - مدنی، انتشارات دانشور، ۱۳۷۵، صفحه ۱۴۰

۲- نیک‌فر، مهدی. قانون مدنی در آرای دیوان کشور، سازمان انتشارات کیهان، سال ۱۳۷۰ چاپ دوم، صفحه ۶۰

۳- قربانی، فرج‌اله. همان، صفحه ۱۳۵

۴- قربانی، فرج‌اله. همان، صفحه ۱۳۸

و بطلان معامله و خدشه در قصد و رضا محسوب نمی‌شود.  
بنابراین نظریه استنباطی مورخ ۱۳۶۷/۶/۵ شعبه ۱۸ دادگاه حقوقی یک تهران که مآلاً به صحت قرارداد مزبور ابراز گردیده، صحیح و موجه است.  
۴- ماده ۲۱۸ قانون مدنی مقرر داشته: «هرگاه معلوم شود که معامله با قصد فرار از دین به طور صوری انجام شده آن معامله باطل است.»<sup>۱</sup>

هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۴۹ چنین اشاره داشته:  
ماده ۲۱۸ قانون مدنی عدم نفوذ معامله به قصد فرار از دین را باطل اعلام نموده با این عبارت که؛ به قصد فرار از دین ناظر به صورتی است که، دین مدیون به شخص ثالث از نظر دادگاه معلوم بوده و محقق شود به منظور فرار از تأدیه دین اقدام به معامله نموده است. ملاحظه می‌شود مادامی که بدهی فروشنده به شخص ثالث از نظر دادگاه محرز و مسلم نگردیده باشد و یا این که مثلاً فروشنده دو ملک داشته باشد و هر کدام از آن‌ها کفاف پرداخت بدهی را بدهد و شخص مذکور یکی از املاک خود را بفروشد، نمی‌توان عنوان معامله را به قصد فرار از دین تلقی کرد و در نتیجه معامله غیر نافذ یا باطل باشد، بلکه اصل بر صحت معامله است.  
۵- ماده ۳۹۴ قانون مدنی مقرر داشته: «مشتري باید ثمن را در موعد و در محل و بر طبق شرایطی که در عقد بیع مقرر شده است تأدیه نماید.»<sup>۲</sup>

در این خصوص دیوان عالی کشور به موجب رأی شماره ۳۷۵۳ چنین بیان کرده؛ عدم وصول ثمن تزلزلی در صحت عقد وارد نخواهد داشت.

ملاحظه می‌گردد با این که ماده ۳۹۴ قانون مدنی کلمه «باید» را به کار برده است مع‌هذا دیوان عالی کشور در رأی صادره در مورد عدم پرداخت ثمن اصل صحت را در نظر داشته است.

۶- ماده ۴۶۳ قانون مدنی مقرر داشته: «اگر در بیع شرط معلوم شود که قصد بایع حقیقت بیع نبوده است، احکام بیع در آن مجری نخواهد بود.»<sup>۳</sup>

مورد استفاده از این ماده آن است که تا وقتی که معلوم نشده است که بایع حقیقتاً قصد بیع نداشته است مطابق اصل صحت باید احکام بیع را بر آن مترتب نمود.

۷- ماده ۲۱۵ قانون مدنی مقرر داشته: «مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی مشروع باشد.»<sup>۴</sup>

در این خصوص نیز در رأی شماره ۵۸۹۲ دیوان عالی کشور اشاره شده؛ که خرید و فروش چیزی که در عرف ارزش دادوستد ندارد ولی در نظر خریدار و فروشنده ارزش مالی و معنوی دارد معقول است مثل یادگاری‌های خانوادگی.

۱- قربانی، فرج‌اله. همان، صفحه ۱۳۹

۲- قربانی، فرج‌اله. همان، صفحه ۱۶۸

۳- قربانی، فرج‌اله. همان، صفحه ۱۷۹

۴- قربانی، فرج‌اله. همان، صفحه ۱۳۹

- ۸- ماده ۲۱۶ قانون مدنی مقرر داشته: «مورد معامله نباید مبهم باشد مگر در موارد خاص که علم اجمالی به آن کافی است.»<sup>۱</sup>
- در رأی شماره ۲۴۷ دیوان عالی کشور در این خصوص اشاره گردیده که با مشخص بودن حدود و مشخصات بیع، حکم به بطلان از جهت جهل به آن نمی‌شود که در این ماده نیز صرف معلوم بودن حدود و مشخصات بیع برای صحت عقد کافی شناخته شده است و اصل صحت در آن منظور گردیده است.
- ۹- ماده ۶۹۹ قانون مدنی مقرر داشته: «تعلیق در ضمان مثل اینکه ضامن قید کند که اگر مدیون نداد من ضامنم باطل است ولی التزام به تأدیه ممکن است معلق باشد.»<sup>۲</sup>
- دیوان عالی کشور در رأی شماره ۳۳۷۶ خود بیان می‌دارد که تعلیق پرداخت در مورد ضمان موجب تعلیق اصل ضمان و بطلان آن نخواهد بود ولو این که معلق علیه تعلل و تسامح داین باشد. هم چنین در رأی شماره ۱۵۶۱ نیز اشاره داشته که التزام موضوعاً و حکماً با ضمان مخالف است و تعلیق در التزام مطابق ذیل ماده‌ی ۶۹۹ و ماده ۷۳۳ قانون مدنی صحیح است که مفاد آرای اشاره شده حکایت از رعایت اصل صحت دارد.
- ۱۰- ماده ۷۶۲ قانون مدنی مقرر داشته: «اگر در طرف مصالحه و یا در مورد صلح اشتباهی واقع شده باشد صلح باطل است.»<sup>۳</sup>
- حال اگر پس از انعقاد صلح ادعا گردد که مصالح به تصور این که متصالح از اقربای او است مبادرت به انعقاد صلح نموده ولی پس از وقوع عقد معلوم گردیده که متصالح از بستگان او نیست و این ادعا مورد تکذیب طرف مقابل واقع شود بر مبنای اصل صحت عقد محمول بر صحت است و مدعی صحت عقد محتاج به اقامه‌ی دلیل بر عدم وقوع اشتباه نیست و بر عهده‌ی مدعی اشتباه است که ادعای خود را ثابت نماید.
- ۱۱- ماده ۷۵۲ قانون مدنی مقرر داشته: «صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی در مورد معامله و غیر آن واقع شود.»<sup>۴</sup>
- اگر طرفین اختلاف اقرارنامه‌ای برای ترک دعوی تنظیم نمایند آیا این اقدام را می‌توان عقد صلح تلقی نمود؟
- در این خصوص شعبه هشتم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۸/۱۸۹ خود چنین اشاره کرده که؛ سند تنظیم شده تحت عنوان دعوی عقد صلح محسوب می‌شود. در این رأی نیز آثار اصل، ملاحظه می‌گردد.
- ۱۲- ماده ۷۹۳ قانون مدنی مقرر داشته: «راهن نمی‌تواند در رهن تصرفی کند که منافی حق مرتهن باشد مگر به اذن مرتهن.»<sup>۵</sup>

۱- قربانی، فرج‌اله. همان، صفحه ۱۳۹

۲- قربانی، فرج‌اله. همان، صفحه ۲۱۱

۳- قربانی، فرج‌اله. همان، صفحه ۲۲۰

۴- قربانی، فرج‌اله. همان، صفحه ۲۱۹

۵- قربانی، فرج‌اله. همان، صفحه ۲۲۴

شعبه ششم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۲۹۳ اشاره داشته: در صورتی که رهن ملک خود را به دیگری بفروشد و مرتهن طلب خود را از خریدار مطالبه نماید در حقیقت مرتهن امضای معامله‌ای را که قبل از انقضای مدت رهن به عمل آمده، نموده است و بنابراین معامله‌ی رهن نسبت به ملک مرهون، تصرفی نبوده که منافی حق مرتهن باشد و استناد دادگاه به ماده ۷۹۳ قانون مدنی در بی‌اثر بودن معامله به‌عنوان این که رهن حق انتقال عین مرهونه را نداشته صحیح نخواهد بود. ملاحظه می‌شود که در رأی دیوان عالی کشور با توسل به اصل صحت معامله‌ی رهن نسبت به ملک مرهون صحیح داشته شده است.

۱۳- ماده ۱۰۶۷ قانون مدنی مقرر داشته: «تعیین زن و شوهر به‌نحوی که برای هیچ‌یک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد شرط صحت نکاح است.»<sup>۱</sup>

حال اگر ادعا شود که در ازدواج اشتباه در شخص شده است و مثلاً مرد مدعی شود که زنی را که به‌عنوان دختر فلان به او معرفی کرده‌اند پس از ازدواج متوجه شده که اشتباهی رخ داده و زوجه دختر شخص دیگری است ولی زن اظهارات زوج را تکذیب نموده و وقوع اشتباه را مردود بداند برابر اصل صحت، اظهارات زوجه مورد قبول است مگر این که زوج خلاف آن را ثابت نماید.

۱۴- ماده ۱۲۹۰ قانون مدنی مقرر داشته: «اسناد رسمی درباره طرفین و وراث و قائم مقام آنان معتبر است و اعتبار آن‌ها نسبت به اشخاص ثالث در صورتی است که قانون تصریح کرده باشد.»<sup>۲</sup>

شعبه هشتم دیوان عالی کشور در حکم شماره ۳۶۱ خود اصل صحت را در نظر داشته و چنین مقرر نموده که سند وقتی ابطال می‌شود که از طرف کسی که در تنظیم آن دخالت داشته یا قائم‌مقام او ادعای بطلان کرده باشد. بدین ترتیب اصل صحت و اصل اصالت اسناد در خصوص مورد جاری است، مادامی که خلاف آن ثابت شود.

۱۵- ماده ۳۲۰ قانون تجارت مقرر داشته: «دارنده هر سند در وجه حامل مالک و برای مطالبه وجه آن مُحق محسوب می‌شود مگر در صورت ثبوت خلاف، مع‌ذکک اگر مقامات صلاحیت‌دار قضایی یا پلیس تأدیه وجه آن سند را منع کند تأدیه وجه به حامل مدیون را نسبت به شخص ثالثی که ممکن است سند متعلق به او باشد بری نخواهد کرد.»<sup>۳</sup>

ملاحظه می‌شود که این ماده نیز بر اساس اصل صحت تصویب شده است و مادامی که خلاف مالکیت و استحقاق دارنده سند در وجه حامل ثابت نشده است با توجه به اصل صحت، اصالت سند و مُحق بودن دارنده‌ی سند ملاک عمل خواهد بود.

۱- قربانی، فرج‌اله. همان، صفحه ۲۷۷

۲- قربانی، فرج‌اله. همان، صفحه ۳۱۲

۳- ناصر زاده- هوشنگ- قانون تجارت- چاپ نیل- چاپ هفتم- پاییز ۱۳۷۵- صفحه ۱۶۷

۱۶- ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی مقرر داشته: «مجنون دایمی مطلقاً و مجنون ادواری در حال جنون نمی‌تواند هیچ تصرفی در اموال و حقوق مالی خود بنماید ولو با اجازه ولی یا قیم خود. لکن اعمال حقوقی که مجنون ادواری در حال افاقه می‌نماید نافذ است مشروط بر آن که افاقه او مسلم باشد.»<sup>۱</sup>

بر طبق این ماده اگر مجنون ادواری ادعا کند که در هنگام معامله در حال بیماری بوده و طرف قرارداد مدعی باشد که او در حال افاقه بوده است، اصل صحت ایجاب می‌نماید که به چنین تردیدی اعتنا نداشته و معامله نافذ باشد، هم‌چنین شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۶۷۳ هم این مطلب را متذکر و اشاره داشته که؛ بر اثر اختلاف بین وراث الف در مورد صحیح بودن معاملات متوفی از جهت سالم بودن وی در زمان انجام معامله صادر گردیده، اصل صحت در مقام رفع مشکل برآمده و معاملات انجام شده را صحیح دانسته است.

۱۷- در مقررات ثبتی نیز آثاری از اصل صحت دیده می‌شود، در اسناد رسمی رهن، گاهی اشاره‌ای به اقباض رهنه نمی‌شود و این شبهه ایجاد می‌شود که رهن باطل است. در پاسخ به شبهه اشاره شده باید گفت که اولاً قبض و اقباض از آثار رهن است و از سوی دیگر در صورت شک در وقوع اقباض اصالة الصحة جاری است.

هم‌چنین رأی شماره ۱۱۴ شورای عالی ثبت همه بیان‌گر این مطلب است و اضافه می‌نماید که امکان دارد که قبض و اقباض در خارج صورت گرفته باشد، پس اشکالی در صحت رهن وجود ندارد.

۱۸- ماده ۸۳۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی به قصد خودکشی خود را مجروح یا مسموم کند یا اعمال دیگر از این قبیل که موجب هلاکت است مرتکب گردد و پس از آن وصیت نماید، آن وصیت در صورت هلاکت باطل است و هرگاه اتفاقاً منتهی به فوت نشد وصیت نافذ خواهد بود.»<sup>۲</sup>

در ارتباط با ماده فوق، اگر ورثه در دادگاه ادعا کنند که «موصی» پس از انجام اعمالی از قبیل مذکور در ماده مزبور، به قصد خودکشی مبادرت به وصیت نموده و به همان علت نیز وفات نموده است و از تحویل «موصی‌به» امتناع ورزند، چنانچه اصل اعمال مزبور را به اثبات رسانند، مثل این که ثابت کنند فلان داروی سمی و مهلک را استعمال نموده و این موضوع برای دادگاه هم محرز می‌شود، باز هم دادگاه با استناد به اصل صحت حکم به صحت وصیت می‌نماید مگر این که ورثه بتوانند قصد خودکشی موصی و وقوع وضعیت پس از استعمال دارو را به اثبات رسانند.

۱- قربانی، فرج‌اله، همان، صفحه ۲۹۸

۲- قربانی، فرج‌اله، همان، صفحه ۲۳۰

۱۹- ماده ۶۰۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه بعد از تقسیم معلوم شود که قسمت به غلط واقع شده است، تقسیم باطل می‌شود.»<sup>۱</sup>

ماده فوق بر اساس اصل صحت تنظیم شده است و لذا چنانچه پس از انجام تقسیم، احدی از طرفین ادعا کنند که تقسیم به غلط انجام شده، مادام که به اثبات نرساند محمول بر صحت است. ۲۰- ماده ۱۲۷۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «انکار بعد از اقرار، مسموع نیست. لیکن اگر مقرر ادعا کند اقرار او فاسد یا مبنی بر اشتباه یا غلط بوده شنیده می‌شود و همچنین است در صورتی که برای اقرار خود عذری ذکر کند که قابل قبول باشد مثل این که بگوید اقرار به گرفتن وجه در مقابل سند یا حواله بوده که وصول نشده، لیکن دعاوی مذکور، مادامی که اثبات نشده مضر به اقرار نیست.»<sup>۲</sup>

ماده اشاره شده نیز همانند مواد قانونی قبل بر اساس اصل صحت تنظیم شده و لذا مادام که مدعی فساد اقرار، در محکمه مدعی خود را به اثبات نرساند اقرار انجام شده محمول بر صحت است.

۲۱- به استناد ماده ۵۱۴ قانون مدنی «خادم یا کارگر نمی‌تواند اجیر شود مگر برای مدت معینی یا برای انجام امر معینی.»<sup>۳</sup>

اگر پس از تنظیم قرارداد اجاره یکی از طرفین یا ثالث، اظهار کند که اجاره برای کار معین و مدت معین نبوده و برای اجاره مدت تعیین نشده است و طرف مقابل اظهار کند که اجاره مثلاً یک‌ساله بوده است، در این مورد مدعی چه کسی است و اثبات ادعا به عهده کیست؟ آیا کسی که اجاره را یک‌ساله می‌داند باید آن را ثابت کند یا اثبات معین نبودن مدت به عهده قایل آن است. در این مورد نیز بر اساس اصل صحت تکلیف روشن است و کسی که مدعی معین نبودن مدت است باید ادعای خود را ثابت کند.

در مثال فوق، توجه به این نکته لازم است که اگر مشخص باشد در مسأله مورد اختلاف، مزد مثلاً ماهیانه تعیین شده، در این صورت موضوع دگرگون می‌شود و کسی که ادعای یک‌ساله بودن اجاره را می‌نماید باید آن را ثابت کند، چون اصل صحت فقط در محدوده ردّ بطلان عقد قابل استناد است و در موردی که مزد و اجرت به قرار ماهیانه تعیین شده باشد مطابق ماده ۵۱۵ قانون مدنی، صحت عقد محرز و مدت اجاره یک‌ماهه مفروض است و کسی که مدعی یک‌ساله بودن آن است باید ادعای خود را اثبات کند و طرف مقابل به استناد اصل عدم، از اقامه دلیل بی‌نیاز است.

۱- قربانی، فرج‌اله. همان، صفحه ۱۹۹

۲- قربانی، فرج‌اله. همان، صفحه ۳۱۱

۳- قربانی، فرج‌اله. همان، صفحه ۱۸۷

در اجاره اشیاء نیز که برابر ماده ۴۶۸ قانون مدنی، مدت اجاره باید معین باشد، در صورت اختلاف در مدت، حکم فوق جاری است.

۲۲- مطابق ماده ۵۳۲ قانون مدنی: «در عقد مزارعه اگر شرط شود که تمام ثمره مال مزارع یا عامل تنها باشد عقد باطل است.»<sup>۱</sup>

حال آن که اگر پس از انعقاد عقد ادعا شود که در عقد، شرط شده ثمره، تماماً مال زارع است تردیدی نیست که در این مورد نیز اثبات اشتراط چنین شرط با مدعی آن است. ولی قابل بحث این است که آیا بر اساس مقتضای اصل صحت، ادعای اشتراط چنین شرطی به علت مغایرت آن با اصل صحت باید توسط مدعی اثبات شود یا مبنای آن اصل عدم است. به نظر می‌رسد در این مورد نیز بتوان از اصل صحت استفاده کرد، چون وجود چنین شرطی مبطل عقد و خلاف مقتضای اصل صحت است و به همین علت اثبات آن با کسی که قایل به وجود شرط است می‌باشد. ضمناً می‌توان اثبات ادعا را به اقتضای اصل عدم نیز دانست.

۲۳- برابر ماده ۶۹۹ قانون مدنی «تعلیق در ضمان مثل این که ضامن قید کند که اگر مدیون نداد من ضامنم باطل است ولی التزام به تأدیه ممکن است معلق باشد.»<sup>۲</sup>

حال اگر پس از وقوع عقد بین طرفین اختلاف شود و «مضمون‌له» بر این نظر باشد که ضمانت به‌طور منجز واقع شده ولی التزام به تأدیه، معلق بوده است و ضامن مدعی شود که ضمان تعلیقی بوده و عقد به این صورت واقع شده است که اگر «مضمون‌عنه» دین را نپردازد او ضامن است. در این اختلاف نیز به استناد اصل صحت، گفته «مضمون‌له» تا ثبوت خلاف از طرف ضامن پذیرفته می‌شود و ضامن که مدعی ضمان تعلیقی است باید ادعای خود را ثابت کند.

۲۴- ماده ۱۲۹۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «در مقابل اسناد رسمی یا اسنادی که اعتبار اسناد رسمی را دارد انکار و تردید مسموع نیست و طرف می‌تواند ادعای جعلیت نسبت به اسناد مزبور کند یا ثابت نماید که اسناد مزبور به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است.»  
به موجب ماده بالا اصل در اسناد رسمی و یا اسنادی که اعتبار اسناد رسمی را دارد، صحت است و چنانچه شخص مقابل دارنده سند، مدعی بطلان و مجهولیت سند مزبور گردد، این ادعا مادام که به اثبات نرسد مسموع نیست.

### لزوم تحقق صورت عرفی عمل در معاملات

شکی که در معاملات حاصل می‌شود چند فرض دارد:

الف- شک در ارکان اصلی معامله: منظور از ارکان اصلی معامله آن است که با فقدان آنها اصولاً نمی‌توان عنوان عرفی معامله و عقد را بر عمل انجام شده اطلاق کرد. مثل این که در معامله شک کنیم آیا ثمن وجود داشته یا نه؟ یا این که عوضین مالیت داشته‌اند یا نه؟

۱- قربانی، فرج‌اله. همان، صفحه ۱۸۹

۲- قربانی، فرج‌اله. همان، صفحه ۲۱۱

چون در معاملات از شرایط اساسی این است که ثمن وجود داشته باشد و عوضین مالیت داشته باشند، بنابراین چنانچه معامله‌ای فاقد اوصاف مذکور باشد عرفاً عنوان معامله بر آن قابل اطلاق نیست.

ب- شک در شرایط متعاملین: گاهی در ارکان اصلی معامله شک وجود ندارد و بعد از استکمال ارکان اصلی در متعاملین از جهت یا جهاتی شک حادث می‌شود مثل این که آیا متعاملین مختار بوده‌اند یا مکره؟

ج- شک در مقررات شکلی: ممکن است شک در شرایط جنبی معامله حاصل شود مثل این که آیا ایجاب بر قبول مقدم بوده است یا نه و یا این که مقررات شکلی عقد رعایت شده است یا نه؟  
د) شک در وجود فاسد یا مانع: گاهی هم شک در وجود مانع یا شرایط فاسده‌ای است که ممکن است معامله را باطل کند.

در سه قسم اخیر شکی نیست که اصل صحت جاری می‌شود اعم از این که شک در شرایط متعاملین یا عوضین یا مقررات شکلی و وجود شرایط فاسد و مانع باشد.<sup>۱</sup>

اما در صورت اول یعنی آن‌جا که شک در وجود ارکان اصلی معامله می‌باشد به نظر بسیاری از فقها اصل صحت جاری نمی‌شود زیرا تحقق عنوان عرفی بر معامله مذکور متوقف و منوط به تحقق آن رکن اصلی است. به صورتی که بدون آن اصولاً معامله‌ای واقع نشده است. به عبارت دیگر اصالة الصحة در معاملات جاری نمی‌شود مگر پس از احراز عنوان عرفی معامله. ولی شیخ انصاری «طاب ثراه» اصل صحت را همه‌جا جاری می‌داند و احراز اموری را که در صدق عنوان عقد معتبر است لازم نمی‌داند و اصل صحت را حتی در موارد وجود شک از ارکان اصلی عقد قابل اعمال می‌بیند.<sup>۲</sup> مستند شیخ انصاری، سیره و رویه اسلامی و نیز لزوم اجتناب از اختلال نظام است. شیخ در تأیید مدعای خود اضافه می‌کند که موافق سیره، هرگاه کسی در مورد مالی که خریده است شک کند که آیا آن مال را در زمان صغر بایع خریده یا در کبر؟ حکم صحت جاری است.<sup>۳</sup>

در پاسخ شیخ ممکن است گفته شود: اولاً سیره اسلامی بر اجرای اصل صحت به نحو عام احراز گردیده و در موارد خاص استناد شده، ثانیاً صغر از شرایط اساسی و اصلاحی معامله نیست به نحوی که در صورت فقدان آن عنوان معامله عرفاً صدق نکند، بلکه صغر از شرایط شرعی محسوب است هر چند که تمیز شاید از شرایط عرفی باشد.<sup>۴</sup>

قانون مدنی ایران در ماده ۲۲۳ مقرر می‌دارد: «هر معامله‌ای که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر این که فساد آن معلوم شود.»

۱- امام خمینی. الرسائل، ج ۱، ص ۲۲۴

۲- فراید الاصول، همان، ص ۴۱۷

۳- فراید الاصول، همان، ص ۴۱۷

۴- محقق داماد، همان، ص ۲۱۹

به نظر می‌رسد، قانون‌گذار در تنظیم ماده فوق از نظر شیخ انصاری تبعیت نموده و اصل صحت را در تمامی موارد، جاری دانسته است، زیرا در ماده ۱۹۰ قانون مزبور تحت عنوان شرایط اساسی برای صحت معامله، قصد طرفین و رضای آنها، اهلیت طرفین، موضوع معین که مورد معامله باشد و مشروعیت جهت معامله را ذکر نموده است و لذا با توجه به ماده ۲۲۳ می‌توان گفت در کلیه معاملات که شک در صحت آن باشد اصل صحت جاری خواهد بود. در این جا ذکر نکته‌ای ضروری است؛ بعضی از حقوق‌دانان معاصر چنین تصور کرده‌اند که با اصل صحت بسیاری از تأسیسات و قراردادهای حقوقی معاصر که در صدر اسلام وجود نداشته قابل توجه است، از قبیل بیمه، حقوق مؤلفین و مصنفین، حقوق مربوط به اختراعات و اکتشافات و ثبت علامات تجاری و امثال این‌ها و این‌طور استدلال می‌کنند که چون در صحت این عقود و قراردادها شک به وجود می‌آید اصل را بر صحت می‌گیریم و این اعمال حقوقی را صحیح تلقی می‌کنیم.

به نظر می‌رسد این پندار ناشی از عدم آشنایی با موازین فقهی است؛ زیرا هرچند این قراردادها داخل در عام و از مصادیق «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» یا «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ» و یا ادله دیگر باشد، همان‌گونه که بسیاری از فقها نیز چنین احتمال داده‌اند که عقود و قراردادهای خارج از چارچوب عقود معین نیز محمول بر صحت است، ولی این به آن معنی نیست که این اعتبار ناشی از اصل صحت باشد؛ زیرا اصل صحت در مواردی استعمال و استفاده می‌شود که معامله یا قراردادی که باید تحت ضوابط و شرایط معینی تحقق یابد مورد شک قرار گیرد. این جا است که اصل صحت مداخله می‌کند و عمل تحقق یافته را صحیح تلقی می‌سازد تا خلاف آن ثابت شود.

اصل صحت به این معنا نیست که قراردادی را که شارع تنفیذ نکرده است و اصولاً معلوم نیست در نظر شارع صحیح باشد، در اعمال و معاملات صحیحه داخل کنیم.

به عبارت دیگر اصل صحت در شبهات موضوعیه جاری است نه در شبهات حکمی، یعنی اگر تردید حاصل شد که شارع معامله‌ای را صحیح اعلام کرده است یا نه حق نداریم با تمسک به اصل صحت این معامله را صحیح تلقی کنیم، بلکه در معامله‌ای که اصلش را شارع تأیید و تنفیذ نموده، اگر در شرایط و لوازمش تردید حاصل کنیم با اعمال اصل صحت شک را برطرف و اثر عقود صحیحه را بر آن مترتب می‌کنیم.

باید توجه داشت نظر این نیست که این‌گونه قراردادهای جدید و تأسیسات حقوقی و قراردادی ناشی از رشد صنعت و تکنولوژی باطل است یا در شریعت جایی ندارد. بالعکس این‌گونه تأسیسات و قراردادها با موازین فقه شیعه قابل توجیه، تطبیق و تبیین است ولی نه با اصل صحت بلکه در این‌گونه موارد باید با تمسک به اطلاقات و ادله فقهی راه‌حل مناسب شرعی را جستجو کرد و به کار بست.

## نتیجه گیری:

هدف از این پژوهش تعریف اصل صحت و بیان نقش و جایگاه آن در عقود، قوانین و آرای قضایی بود که تلاش گردید در فرصت موجود ضمن ارایه تعاریفی از اصل مذکور و تقسیم بندی آن در دو مفهوم وضعی و تکلیفی به آن پرداخته شود، با توجه به مباحث مطروحه و بررسی های انجام یافته از این پژوهش درجه اهمیت اصل صحت در تأمین نفوذ قراردادها و رفع اختلاف اشخاص معلوم میشود، که نتایج حاصل شده از این پژوهش را می توان به شرح زیر خلاصه نمود:

۱- اصل صحت اصلی است که از فقه امامیه وارد حقوق ایران شده است زیرا قوانین هر کشور تحت تأثیر عرف و آداب و رسوم اجتماعی و قواعد آن است و ایران نیز مستثنی از این موضوع نبوده است.

۲- اصل صحت تنها اصل پذیرفته شده در حقوق ایران و فقه امامیه نیست بلکه در سایر مذاهب و حتی در قوانین سایر کشورهای جهان نیز اصلی شناخته شده است.

۳- در قانون ایران بارزترین ماده قانونی در راستای تبیین و تثبیت جایگاه اصل صحت ماده ۲۲۳ قانون مدنی است.

۴- اگر معامله ای واقع شود چه به صورت یکی از عقود معین یا به صورت عقد غیرمعین و عرفاً بتوان عنوان معامله را بر آن صدق نمود و هیچ نهی خاص و عامی نیز از طرف شارع بر آن معامله وارد نشده باشد و ضوابط، شرایط و قواعد عمومی در آن رعایت شده باشد آن معامله صحیح قلمداد می گردد.

۵- در صورتی که مخالفت عقد با قانون مورد تردید باشد، اصل بر صحت آن است و به بهانه امکان وجود این مخالفت نمی توان عقد را نادرست دانست.

۶- اصل صحت یکی از اصولی است که سابقه طولانی در فقه و حقوق داشته و این قدمت را می توان در آیات قرآن کریم نیز یافت. از آنجایی که قرآن کریم آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» را بیان می نماید، مراد از این آیه این است که عمل مردم را باید حمل به صحت نمود.

۸- از آنجایی که این اصل بر مبنای عقل استوار است، عقلای عالم این اصل را به طور قطع پذیرفته و به آن ارجح می نهند.

۹- درجایی که الفاظ عقد در عرف معانی گوناگون دارد عبارت باید حمل بر معانی شود که عقد در آن صورت درست است. مثلاً بیع قراردادی معوض است و فروش بدون ثمن فاسد است ولی هبه قراردادی رایگان می باشد و نیازی به عوض ندارد. حال اگر تردید شود که مفاد تراضی بیع بدون ثمن است و یا هبه می باشد، برابر اصل صحت باید آن را هبه دانست. نمونه های زیاد دیگری هم می توان ذکر کرد ولی برای آنکه اهمیت قضیه بیشتر معلوم گردد

به یکی از قراردادهای نوظهور (مستحدثه) به نام قرارداد بیمه اشاره می‌شود که جزء عقود معین ذکر نشده است و در کتب فقهی نیز به ندرت مورد بحث قرار گرفته است حال اگر چنین قراردادی را حمل بر صحت نکنیم واقعاً مشکلات عظیمی دامن جامعه را فرامی‌گیرد. امروزه اکثر کشورهای اسلامی مقدار قابل توجهی از احتیاجات روزانه و مواد غذایی خود (مثلاً گندم) را از کشورهای خارجی خریداری و وارد می‌کنند. هر بازرگانی مجبور به تهیه اعتبار از بانک است و بانک‌ها بدون پوشش بیمه، اعتباری در اختیار بازرگانان نمی‌گذارند. اگر بازرگان کالای خود را بیمه نکرده باشد، کالای او از زمان حمل تا تخلیه با خطرات گوناگون نظیر غرق شدن کشتی، رها شدن کالا از چنگال جراثیل و متلاشی شدن آن، پرت شدن کانتینرها به هنگام طوفان در دریا از روی عرشه، سرقت و فاسد شدن کالا و وسایل نقلیه هوایی و دریایی و زمینی مواجه می‌باشد. حال اگر قرارداد بیمه را صحیح و نافذ ندانیم امکان حمل و نقل کالاها و حتی تهیه غذای مورد نیاز جامعه یک کشور مقدور نخواهد بود. مثال دیگر بیمه اتومبیل است که امروزه به یک وسیله نقلیه ضروری تبدیل شده است امروزه تصادفات زیادی به وقوع می‌پیوندد و جان و مال عده‌ای نیز در اثر تصادفات از بین می‌رود. سایر وسایل نقلیه هوایی و دریایی نیز وضع مشابهی دارند. خطر سقوط هواپیما و غرق شدن کشتی و از بین رفتن سرنشینان آن‌ها و اموال و اثاثیه ایشان همواره وجود دارد. عقل نیز حکم می‌کند که راهی برای حفظ مال و جان پیدا شود و یا میزان خسارت وارده را تقلیل نماید. قرارداد بیمه در چنین مواردی قسمت عمدۀ ای از خسارت وارده را جبران می‌نماید و شرکت‌های بیمه مبالغ قابل توجهی به سانحه‌دیدگان و خانواده‌ی آن‌ها می‌پردازند. سیره‌ی عقلا نیز چنین قراردادی (قرارداد بیمه) را تأیید می‌نماید. حفظ مصالح عمومی و پیشگیری از اخلال و هرج و مرج در جامعه نیز امری منطقی و عقلانی است، در فقه امامیه نیز عقل یکی از منابع حقوقی شمرده شده است. برای حل مشکل چنین قراردادی دلایل گوناگونی ارایه شده است. که از جمله آن‌ها اصل صحت یا اصالةالصحة می‌باشد که یکی از قواعد مربوط به احکام اسلامی است.

#### فهرست منابع

- ۱- اصول کافی، جلد ۲، باب التَّهْمَة، ص ۳۶۲، حدیث ۳، چاپ آخوند
- ۲- امام خمینی، الرسائل، ج ۱، ص ۳۲۴
- ۳- بجنوردی، سید محمد موسوی. قواعد فقهیه، نشر میعاد، چاپ دوم- ص ۹۴
- ۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. مقدمه علم حقوق: ناشر گنج دانش، (۱۳۷۱)، ص ۳۶۶
- ۵- حائری، مسعود. «مبانی فقهی اصل آزادی قراردادها»، انتشارات کیهان، (۱۳۷۰)، ص ۱۸
- ۶- حسین، فریار. «اصل صحت» زیر نظر دکتر ابوالقاسم گرگی، نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی،

- دانشگاه تهران، شماره ۶، ص ۱۶۱
- ۷- حسینی، سید محمدرضا. «قانون مدنی در رویه‌ی قضایی»، زیر نظر نصرالله قهرمانی، انتشارات مجد، (۱۳۷۹)، ص ۶۷
- ۸- شهیدی، مهدی. «اصول قراردادها و تعهدات»، تهران، انتشارات مجد، (۱۳۸۳)، چاپ هفتم، ص ۲۲۸
- ۹- شیخ انصاری محشی، فرایدُالأصُول: چاپ قم، ص ۴۱۶
- ۱۰- طباطبایی، سید محمدصادق، آرای، حمید. «مطالعه تطبیقی مفهوم اصل صحت در تفسیر قراردادها»، زمستان (۱۳۹۰)، شماره ۸۸
- ۱۱- عرفانی، توفیق. «قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران»، انتشارات کیهان، (۱۳۷۱)، ص ۱۸۲
- ۱۲- عمید، حسین. فرهنگ لغت عمید: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، جلد اول، ص ۲۱۷، (۱۳۷۴)
- ۱۳- قربانی، فرج‌اله. مجموعه کامل قوانین و مقررات اساسی- مدنی: انتشارات دانشور- چاپ یازدهم، (۱۳۷۵)
- ۱۴- کاتوزیان، ناصر. حقوق مدنی- قواعد عمومی قراردادها: تهران، شرکت سهامی انتشار، (۱۳۶۸)، چاپ هفتم، جلد دوم، صفحات ۳۷۳ تا ۳۷۵
- ۱۵- محقق داماد، سید مصطفی. قواعد فقه در بخش مدنی: تهران، نشر علوم اسلامی، (۱۳۸۶)، چاپ هفتم، ص ۲۲۸
- ۱۶- ناصرزاده، هوشنگ. قانون تجارت: چاپ نیل، (پاییز ۱۳۷۵)، چاپ هفتم، ص ۱۶۷
- ۱۷- نیک‌فر، مهدی. قانون مدنی در آرای دیوان کشور: سازمان انتشارات کیهان، (۱۳۷۰)، چاپ دوم، ص ۶۰